**شاعران معروف عرب**

**یغمائی، حبیب**

این جزوه ادبیات عرب،نمی‏دانم در کدام سال،و نمیدانم برای کدام‏ دبیرستان،و نمیدانم از چه کتاب ترجمه شده چون جزوه‏ای است بسیار مجمل و مختصر،و شاید اندکی مفید،نقل آن را سزاوار شمرد.

حبیب یغمائی

اعشی بن قیس

اعشی بن قیس مکنی بابو بصیر از بزرگان شعرای جاهلیت و چهارمی‏ امرؤ القیس،زهیر و نابغهء ذبیانی است که دربارهء آنها گفته‏اند:اشعرو الناس‏ امرؤ القیس اذا رکب،و زهیر اذا رغب،و النابقة اذا رهب،و الاعشی اذا طرب،وی‏ در یکی از قراء یمامه موسوم به«منفوخه»متولد شده و زیر دست خالویش که خود شاعری زبردست بوده تربیت یافته است.

اعشی چون در شاعری استاد و نام‏آور شد بدربار ملوک و امرا گرائید و آنان را مدح گفت و اول کسی است که در شعر باب سؤال را گشود و چون چندی‏ خدمت ملوک بخران بشرا بخواری و مدیحه‏سرایی گذراند بایران رفت و از صلات‏ و عطایای انوشیروان بهره‏مند گشت و بهمین مناسبت در اشعار خویش بعضی از کلمات‏ فارسی آورده است.وقتی دولت اسلام قوام یافت،قصیده‏ای در مدح حضرت رسول‏ صلی الله علیه و سلم گفت و عازم حجاز شد در بین راه کفار قریش باو برخوردند و چون‏ از تأثیر شعر او در پیشرفت اسلام بیمناک بودند هزار ناقه بوی دادند تا از قصد خویش انصراف یافت و او در موقع مراجعت در نزدیکی مولدش از ناقه افتاد و گردنش خرد شد و مرد و در منفوضه مدوفن گشت.

مبرد(210-286)

ابو العباس محمد بن یزید مشهور به«مبرد»در نحو و لغت سرآمد عصر خود بوده و استاد نفطویه است.

مبرد و ثعلب که او نیز از علمای نحو و لغت بوده معاصر و معارض بوده‏اند (تولد مبرد در حدود سال 210 و وفاتش در سال 286 هجری اتفاق افتاده).

سیبویه(230-280)

عمرو بن عثمان بن قنبر ملقب بسیبویه از بزرگان علمای نحوست.وی ایرانی‏ است و در شهر بیضای فارس متولد شده.

سیبویه در خدمت اساتید بزرگ(از جمله خلیل بن احمد)نحو و علوم ادب‏ را فراگرفت و چنان متبحر گشت که از متقدمین و متأخرین کسی بپایهء وی نرسید.

در زمان هارون الرشید سیبویه ببغداد رفت و در این هنگام کسائی به تعلیم‏ محمد امین مشغول بود.مناظره و گفتگوی این دو نحوی بزرگ که یکی پیشوای‏ بصریین(سیبویه)و یکی پیشوای کوفیین است(کسائی)مشهور و معروفست.

سیبویه در سال 280 هجری در حدود پنجاه سالگی در بیضاء فارس وفات‏ یافت.کتاب نحو سیبویه که آن را شیخ الکتاب یا بطور مطلق الکتاب می‏گویند و نخستین کتابی است که در نحو تصنیف شده معروفست.

خلیل بن احمد(100-170 هجری)

ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد از دی بصری در بصره تولد و در انجا نشو و نما یافته است.پس از آنکه حدیث و قراءت را در خدمت بزرگان ادب آموخت‏ برای فراگرفتن عربی فصیح ببادیه‏ها مسافرت کرد و در فنون ادب بپایه عالی رسید.

او کسی است که علم نحو را بسط و توسعه داد و قواعد آن را مضبوط ساخت، چنانکه مطالب کتاب سیبویه غالبا متکی بقول خلیل است.ترتیب حروف تهجی‏ را نیز بدو نسبت داده‏اند و نیز کسی است که علم عروض اختراع نموده.

خلیل تمام مدت عمر را در بصره بزهد و پارسائی گذرانده و هم به بصره‏ درگذشت.

اصمعی(123-216 هجری

ابوب سعید عبد الملک قریب بن عبد الملک علی بن اصمع باهلی مصری که‏ بجد خود اصمع منسوبست در سال 123 در بصره تولد یافته.

وی حدیث و قراءت و علم ادب را از خلیل بن احمد و سایر بزرگان ادب‏ فراگرفت تا خود نیز در زمرهء بزرگان ادب قرارگرفت.اصمعی در خدمت هارون- الرشید در جتی عالی داشته و عصر مأمون را نیز دریافته است.

صریع الغوانی\*(مسلم بن ولید)

مسلم بن ولید انصاری ملقب به«صریع الغوانی»از ایام کودکی بشاعری‏ گراینده و بزرگان و امرای عصر را مدح می‏گفته و بعطای کم نیز خرسند بوده است. وی در ستایش هارون و برامکه اشعار شیوا دارد.

چون خلافت بمأمون رسید و حل و عقد امور ممالک اسلامی بعهدهء فضل بن‏ سهل قرارگرفت،چون فضل با صریع الفوانی آشنائی داشت او را در جرجان و ری‏ و پس از چندی در اصفهان امارت و حکومت داد و او در زمان فرمانروائی استفاده‏ و اندوخته بسیار کرد.چون فضل بن سهل وفات یافت او نیز از خدمت کناره‏ جست و گوشه‏نشین شد و دیگر مدح کسی را نگفت تا در جرجان در سال 208 هجری درگذشت.

ابن مقله(وفات 328)

ابو علی محمد بن علی بن الحسن بن مقله از بزرگان خطاطین و نویسندگان و هم اوست که خط کوفی را بخط نسخ امروزی تبدیل کرده است.

ابن مقله در اوایل عمر عامل خراج بعضی از نواحی فارس بود و در سال 316 المقتدر بالله او را بوزارت برگزید اما پس از دو سال بسعایت دشمنان اموال او را گرفت و او را بفارس تبعید کرد.

در دورهء الراضی بالله نیز مجددا بوزارت رسید و هم بسعایت و نمامی دشمنان‏ از کار افتاد تا ابن رائق امیر الامراء بغداد که از دشمنان وی بود باشارت خلیفه او را گرفت و نخست دست راست و پس از چندی زبانش را امر داد قطع کردند و همچنان او را در حبس شکنجه و زجر داد تا در سال 328 هجری درگذشت.

(\*)صریع الغوانی یعنی بیهوش‏کنندهء زنهای خوشگل.